**تغییر نزولی حسابرس و مدیریت سود (واقعی و تعهدی): با رویکرد معاملات همزمان**

**چکیده**:

**هدف:** هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه متقابل تغییر نزولی حسابرس و مدیریت سود (واقعی و تعهدی) و پاسخ به این سوال می­باشد که تا چه اندازه مدیریت سود می­تواند انگیزه تغییر نزولی حسابرس برای مدیریت شرکت باشد.

**روش شناسی:** برای انجام پژوهش حاضر از 165 شرکت نمونه در سالهای 1389-1395 استفاده شده است. برای آزمون فرضیات از رویکرد معادلات همزمان استفاده شد.

**یافته­ها:** نتایج آزمون فرضیه اول که بررسی رابطه مثبت و معنادار بین تغییر نزولی حسابرس و مدیریت سود (واقعی و تعهدی) می­باشد، نشان­دهنده عدم وجود رابطه مثبت و معنادار و در نتیجه رد فرضیه اول تحقیق می­باشد. فرضیه دوم تحقیق نیز به بررسی رابطه مثبت و معنادار بین مدیریت سود (واقعی و تعهدی) و تغییر نزولی حسابرس می­پردازد. نتیجه آزمون فرضیه دوم نیز عدم وجود رابطه مثبت و معنادار بین متغیرها و در نتیجه رد فرضیه دوم تحقیق می­باشد.

**دانش­افزایی:** تغییر نزولی حسابرس می تواند انگیزه های مختلفی به دنبال داشته باشد و بنابراینکه در زمینه تغییر نزولی حسابرس تحقیقی در ایران صورت نگرفته بنابراین می توان بیان نمود این تحقیق می تواند به بررسی برخی جوانب موضوع کمک نماید.

**واژه های کلیدی:** تغییر نزولی حسابرس، مدیریت سود واقعی، مدیریت سود تعهدی.

**کد طبقه بندی موضوعی:** G14, M41, M42

**مقدمه**

حسابرس خارجی با بهبود قابلیت اطمینان و اعتباردهی به اطلاعات مالی، برای روند گزارشگری مالی ارزش افزوده فراهم می­کند]28،29[. از فقدان استقلال و کیفیت ضعیف حسابرسی به عنوان مهمترین عامل ورشکستگی و فروپاشی مالی شرکت­هایی نظیر انرون، ورلدکام و پارمالات در سالهای اخیر یاد می­شود. به دلیل این نگرش که وقوع چنین حوادثی ناشی از ناتوانی حسابرسان در کشف و گزارش اشتباهات با اهمیت در صورتهای مالی می­تواند باشد، این وقاع به شکست حسابرسی معروف شدند. عموم افراد، حسابرسان این شرکتها را متهم اصلی وقوع چنین رویدادهایی می­دانند. شرکت آرتور اندرسون که یکی از پنج موسسه بزرگ حسابرسی در سطح جهان بود و کار حسابرسی انرون را عهده دار بود بعد از فروپاشی انرون منحل شد، چرا که تلقی عموم این بود که در تخلفات حسابداری انرون دست داشته است ]31[.رسوایی­های بزرگ گزارشگری مالی و در راس آنها رسوایی شرکت انرون منجر به تدوین قوانین جدید گزارشگری مالی در قالی قانون ساربینز-اکسلی گردید. مهم­ترین موارد مندرج در این قانون در ارتباط با استقلال حسابرس و کیفیت حسابرسی است. این مقررات از جمله شامل محدودیت در ارائه خدمات غیرحسابرسی به صاحبکاران حسابرسی، افزایش مسئولیت کمیته حسابرسی، استقرار هیئت نظارت بر حسابداری شرکتهای سهامی عام و همچنین تغییر اجباری شرکای اصلی هر کار حسابرسی پس از یک دوره متوالی پنج ساله بود ]45[. حسابرس با فشارهای زیادی در فرآیند حسابرسی مواجه است که ممکن است بر تعویض حسابرس تاثیر بگذارد. این موضوع می­تواند فشار داخلی در قالب تهدید منافع شخصی باشد ]25[. این فشار، به طور بالقوه، استقلال حسابرس را کاهش می­دهد، زیرا مشتری می­تواند حسابرس را به موسسه حسابرسی دیگری تغییر دهد. فشارهای دیگر می­تواند از سمت مدیریت باشد. مدیریت انتظار بهترین نظر را در هر شرایطی دارد و ممکن است اقدام به تهدید حسابرس کند. این تهدید، می­تواند اقدام به تغییر حسابرس باشد ]13[. به طور کلی، دو نوع تغییر حسابرسی وجود دارد که شامل تغییر اجباری و داوطلبانه است ]44[. تعویض اجباری، تعویض حسابرسی در یک دوره مشخص بر اساس مقررات دولتی است، در حالیکه تغییر داوطلبانه بر اساس ابتکار عمل مشتری است ]28،29[. از لحاظ جابجایی داوطلبانه نیز دو نوع تغییر وجود دارد، که تغییر به سمت بالا (تغییر به موسسات با رتبه بندی بالاتر) و تغییر نزولی (تغییر به موسسات با رتبه بندی پایین­تر) می­باشد ]35[. عوامل متعددی وجود دارد که بر تعویض حسابرس تاثیر می­گذارد، از جمله عوامل مرتبط با حسابرسی، عوامل محیطی و عوامل نظارتی ]37،47[.

وجود فرصت­های دستکاری در سود به معنی وجود شرایط بالقوه اختلاف نظر با حسابرسان و زمینه­ساز شروع ذهنیت تغییر حسابرس است. هیلی ]24[ اعتقاد دارد که تعهدات کوتاه­مدت به صورت بالقوه انگیزه دستکاری در سود را برای مدیریت ایجاد می­کند. دوفاند ]17[ نشان داد که وجود فرصت­های دستکاری در سود برای مدیریت زمینه تغییر حسابرس را به دنبال دارد. از دیرباز سود حسابداری، مبنای مناسبی برای تصمیم­گیری بسیاری از استفاده­کنندگان مانند سرمایه­گذاران، تحلیل­گران، اعتباردهندگان و تامین­کنندگان مالی در نظر گرفته می­شود و به عنوان یکی از بهترین شاخص­ها به منظور ارزیابی عملکرد مدیران به شمار می­رود ]20[. با این وجود، مدیران شرکت­ها می­توانند از طریق دستکاری اقلام تعهدی و دستکاری فعالیت­­های واقعی، سود را مدیریت کنند ]46[. در مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی، مدیریت نه از طریق تغییر فعالیت­های اقتصادی اساسی شرکت، بلکه در پایان سال از طریق اقلام تعهدی اختیاری، سود را در جهت اهداف خویش دستکاری می­کند، در حالیکه مدیریت سود واقعی با تغییر در زمان­بندی یا ساختار فعالیت­های واقعی واحد تجاری و مدیریت با اتخاذ برخی تصمیم­های عملیاتی همراه است ]39[. لذا، برخلاف مدیریت اقلام تعهدی که ممکن است توسط حسابرس با یک روش معمول، کشف و در یادداشت­های همراه افشا شود، شناسایی مدیریت سود واقعی و قضاوت و اظهارنظر درباره آن برای حسابرسان، نهادهای قانونی و اشخاص خارج از واحد تجاری به مراتب مشکل­تر است ]42[.

فرضیات پژوهش با استفاده از داده های در دسترس شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره بین سالهای 1389 تا 1394 آزمون شده اند. پژوهش حاضر، اولین پژوهشی است که در ایران به بررسی رابطه همزمان تغییر نزولی حسابرس و مدیریت سود (واقعی و تعهدی) می­پردازد.

در ادامه، قسمت دوم مقدمه­ای در مورد توضیح و تبیین متغیرهای پژوهش فراهم کرده و فرضیه های پژوهش را تدوین می­کند. قسمت سوم، نمونه­گیری، تدوین مدل و متغیرهای کنترلی را شامل می­شود. قسمت چهارم، یافته های مربوط به آمار توصیفی و آمار استنباطی را ارائه می­کند. قسمت پنجم شامل بحث و نتیجه­گیری است.

**مبانی نظری و پیشینه پژوهش**

حسابرسی برون سازمانی از طریق اعتباردهی به صورت­های مالی منتشر شده برای عموم، عملیات کارای بازارهای سرمایه را تسهیل می­کند. اما افزایش شمار و پیچیدگی قوانین گزارشگری و حسابداری، امکان تضاد بین حسابرسان و صاحبکاران را افزایش می­دهد و اغلب ممکن است به کشانده شدن فرآیند حسابرسی به چانه­زنی بین دو گروه یاد شده بیانجامد. با توجه به این­که در زمینه حسابرسی، ترازوی قدرت تقریبا همیشه به طرف صاحبکاران است، در صورت وجود مجادله بین حسابرس و صاحبکار، مدیریت ممکن است از طریق تهدید به خاتمه کار با حسابرس، وی را مجبور به پذیرش رویه­های حسابداری کند. در صورتی که مدیریت در انجام این ار موفق نشود، با اعمال قدرت خود ممکن است حسابرس را برکنار کرده و حسابرس انعطاف­پذیرتری جستجو کند]5[.

براساس مطالعات پیشین، مدیران دست کم با توجه به یکی از سه رویکرد، سود شرکت های تحت نظارت خود را مدیریت کرده اند: 1. دستکاری در اقلام تعهدی؛ 2. دستکاری در طبقه بندی و 3. دستکاری در فعالیت های واقعی ]23[. در دو نوع اول مدیریت سود، فقط سازه حسابداری تغییر می کند و تاثیری بر جریان های نقدی آتی ایجاد نخواهد شد؛ در حالیکه در مدیریت سود واقعی با تغییر در فعالیت های واحد تجاری، جریان های نقدی آتی تحت تاثیر قرار می گیرند]26[. مدیریت سود واقعی در اصل، همان مدیریت سود نامناسب است، که عملکرد عملیاتی واقعی شرکت را با استفاده از ایجاد ثیت های حسابداری مصنوعی یا تغییر برآوردها از میزان معقول، مخفی نگه می دارد. برای مثال ثبت درآمدهای دوره بعد در دوره جاری و یا کاهش هزینه های مطالبات سوخت شده به جهت افزایش حاشیه سود، می تواند نوعی مدیریت سود واقعی باشد، بنابراین مدیریت سود واقعی به صورت غیراخلاقی از طرف مدیران صورت می گیرد و این اقدام مدیران به نفع شرکت نمی باشد ]4[.

علی­رغم توجه قابل ملاحظه قانونگذاران به آن دسته از تغییرات حسابرسان که ناشی از فرصت­طلبی صاحبکار در گزارشگری مالی هستند، شواهد اندکی درباره تاثیر فرصت­طلبی صاحبکار در گزارشگری مالی هستند، شواهد اندکی درباره تاثیر فرصت­طلبی در گزارشگری مالی بر تصمیم حسابرسان برای تغییر، وجود دارد. برخی از پژوهشات پیشین مانند ]14،15،39،48[، استدلال نموده­اند که مدیران تنها از طریق انتخاب برآوردها و روش­های حسابداری (مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی) اقدام به اعمال نظرات و صلاحدیدهای خود نمی­نمایند و اتخاذ تصمیمات عملیاتی، دیگر رویکرد مورد استفاده است. این مطالعات بیان نموده­اند که مدیران با استفاده از دستکاری فعالیت­های واقعی، به گزارشگری مالی تهاجمی یا افزایشی می­پردازند. رویچودری ]39[ شواهدی ارائه نمود مبنی بر اینکه در بین مدیران، تمایل به دستکاری فعالیت­های عملیاتی به منظور پرهیز از گزارش زیان و دستیابی به پیش­بینی­های تحلیل­گران، وجود دارد.

برخلاف مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی، ممکن است که حسابرسان در قبال دستکاری فعالیت­های واقعی صاحبکار، مستقیما پاسخگو نباشند، زیرا از طریق انتخاب روش­های حسابداری صورت نمی­گیرد و معمولا مدیران بر آن کنترل دارند. با این حال، برای اینکه دستکاری افزایشی فعالیت­های واقعی صاحبکار یکی از نگرانی­های ویژه حسابرسان باشد، چندین دلیل وجود دارد. نخست، دستکاری فعالیت­های واقعی دارای تاثیری معکوس بر جریانات نقدی صاحبکار و عملکرد مالی آتی آن است که فرصت­های تجاری آتی حسابرس با صاحبکار را محدود می­سازد. این در حالی است که گونی ]22[، از وجود ارتباطی معنادار بین دستکاری فعالیت­های واقعی و عملکرد آتی خبر داد. برخی از پژوهشات نیز از تاثیر منفی دستکاری فعالیت­های واقعی بر عملکرد مالی و ارزش شرکت آتی خبر دادند ]19،21،14،36[. زانگ ]48[ نیز در توضیح آثار دستکاری فعالیت­های واقعی، استدلال می­نماید که مهم­ترین هزینه دستکاری فعالیت­های واقعی، عواقب اقتصادی انحراف از عملیات تجاری بهینه و متعاقبا از دست رفتن مزیت رقابتی شرکت است.

دوم، وضعیت ضعیف مالی صاحبکار ممکن است برای حسابرس نیز هزینه دربرداشته باشد، اگر حسابرس در قبال زیان­های ذی­نغعان صاحبکار مسئول در نظر گرفته شود، حتی اگر مسئولیت مستقیمی در برابر زیان­ها نداشته باشد ]38،10[. استایس ]43[ اظهار نمود که وضعیت مالی ضعیف صاحبکار، می­تواند مدعیانی را پدید آورد که تمایل به بازیافت سرمایه خود از حسابرسان را داشته باشند. مانسی و همکاران ]33[ شواهدی یافتند مبنی بر اینکه سرمایه­گذاران، علاوه بر نقش اطلاعاتی حسابرسان، برای نقش بیمه­گری آنان نیز ارزش قائلند. شواهد دیگری نیز وجود دارد که نشان می­دهد سرمایه­گذاران، بر حسابرسان به عنوان منبع بالقوه­ای برای بازیافت ضرر و زیان­ها تکیه می­کنند ]34،11[.

سوم اینکه حسابرسان صاحبکاران درگیر در دستکاری فعالیت­های واقعی، ممکن است در معرض خطر حسابرسی بیشتری قرار بگیرند. تولید بیش از اندازه به منظور کاهش بهای تمام شده کالای فروخته شده در دوره جاری، منجر به انباشت موجودی کالا می­گردد. فروش اعتباری افراطی به منظور بالا بردن فروش­های دوره جاری، حساب­های دریافتنی دوره جاری و آینده را افزایش می­دهد. مطالعات پیشین ]41،43[ گزارش نموده­اند که انباشت موجودی کالا و اشتن حساب­های دریافتنی بیشتر، ریسک حسابرسی را افزایش می­دهند، زیرا انباشت موجودی منجر به افزایش احتمال گزارش کمتر از واقع موجودی و افزایش در حساب­های دریافتنی، ریسک بدهی نامناسب را بالا می­برد. آخرین مورد هم اینکه دستکاری فعالیت­های واقعی، انعکاس دهنده فرصت­طلبی مدیریت در راستای گزارشگری مالی است ]39،14،48[. فرصت­طلبی مدیریتی در گزارشگری مالی، اغلب به عنوان نتیجه­ای از صداقت مدیریتی ضعیف در نظر گرفته می­شود ]9[. کشف یک بی­نظمی، مانند تصمیمات عملیاتی فرصت­طلبانه که ارزش شرکت را اسراف می­نماید، باعث ایجاد تردید درباره صداقت مدیریت و صورت­های مالی آن می­گردد. استانداردهای حسابرسی، حسابرسان را ملزم نموده­اند تا در برنامه­ریزی حسابرسی­هایشان و تصمیمات تغییر صاحبکار، صداقت مدیریت را در نظر گیرند ]7،8[.

بادیسانتوسو و همکاران ]12[ به بررسی عوامل تعیین کننده تغییر نزولی حسابرس پرداختند. نتایج نشان می­دهد که شرکت های دارای کسب و کار پیچیده حسابرس عضو چهار حسابرس بزرگ را برای کاهش پیچیدگی و هزینه های حسابرسی حفظ خواهند کرد. حسابرسی و کمیته های عمومی به عنوان محافظ کیفیت حسابرس عمل می کنند. از سوی دیگر، سهامداران موفق به حفظ کیفیت حسابرسی نشدند. این نشان می دهد که در تعویض حسابرس اثرگذاری وجود دارد.

ساهن ]42[ با انتخاب نمونه­ای متشکل از 32211 سال-شرکت مشاهده از شرکت­های حاضر در بورس سهام امریکا طی سال­های 1983 تا 2012 به بررسی ارتباط بین قابلیت مقایسه صورت­های مالی با مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت واقعی سود شرکت­ها پرداخت و به این نتیجه رسید که قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری، باعث کاهش مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و در مقابل، افزایش مدیریت واقعی سود می­شود.

اینوموتو و همکاران ]18[ میزان بکارگیری مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت سود واقعی را در 38 کشور مختلف طی سال­های 1991 تا 2010 مورد بررسی قرار دادند و دریافتند در کشورهایی که قوانین سخت­گیرانه­تری در مورد حمایت از حقوق سهامداران دارد، مدیران تمایل بیشتری به اعمال مدیریت سود واقعی دارند.

کیم و پارک ]30[ در پژوهش با عنوان دستکاری فعالیت­های واقعی و تصمیمات تغییر حسابرس صاحبکار، به بررسی تاثیر دستکاری فعالیت­های واقعی توسط مدیریت بر تصمیم حسارسان برای تغییر صاحبکار پرداختند. آنان نتیجه گرفتند که به استثنای دستکاری فعالیت­های واقعی به واسطه تولید اضافی، تصمیمات عملیاتی فرصت­طلبانه صاحبکار دارای ارتباطی مستقیم و معنادار با احتمال تغییر حسابرس می­باشند.

لاسگارتن و شوون ]32[ به بررسی رابطه بین اقلام تعهدی اختیاری افزایش دهنده و کاهش دهنده سود با تغییر حسابرس پرداختند که نتایج حاکی از این بود که اقلام تعهدی اختیاری افزایش دهنده سود و هم اقلام تعهدی اختیاری کاهش دهنده سود، باعث تغییر حسابرس می­شود.

نصیرزاده و همکاران ]6[ به بررسی تاثیر ویژگی­های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی پرداختند. یافته­ها حاکی از آن است که بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و مدیریت سود تعهدی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. اما بر خلاف انتظار محققین بین تجربه کمیته حسابرسی و مدیریت سود تعهدی رابطه مثبت و معناداری مشاهده گردید. در ادامه یافته­ها نشان داد که بین استقلال و اندازه کمیته حسابرسی با مدیریت سود تعهدی رابطه معناداری وجود ندارد.

شعری آناقیز و همکاران ]3[ به آزمون رابطه مدیریت سود واقعی و رتبه اعتباری شرکت­های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج نشان می­دهد بین جریان­های نقدی عملیاتی غیرعادی و رتبه اعتباری رابطه معناداری وجود ندارد، اما هزینه­های تولید غیرعادی و مخارج اختیاری غیرعادی در سطح اطمینان 95 درصد، رابطه منفی و معناداری با رتبه اعتباری شرکت­های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارند.

رحمانی و قشقایی ]2[ به بررسی رابطه قابلیت مقایسه حسابداری با مدیریت سود واقعی و تعهدی پرداختند. یافته­های پژوهش نشان می­دهد بین ویژگی قابلیت مقایسه ارقام حسابداری و مدیریت سود واقعی و تعهدی رابطه معناداری وجود ندارد.

اسدی و اشکانی ]1[ به بررسی تاثیر تغییر حسابرس بر قیمت سهام پرداختند. با استفاده از رویدادپژوهی و به کمک روش آماری مقایسه زوجی و آزمون علامت زوج نمونه، میانگین بازده سهام، میانگین بازده­های غیرعادی و غیرعادی انباشته 10 روز قبل و 10 روز بعد از تغییر حسابرس که با استفاده از روش تعدیل شه بازار محاسبه گردیده، مورد آزمون قرار گرفت. تحلیل­های انجام گرفته نشان داد، بازار واکنشی به اعلان تغییر حسابرس نشان نداده و یا بعبارتی تغییر حسابرس فاقد محتوای اطلاعاتی بوده است.

با توجه به مطالب عنوان شده، برای بررسی موضوع پژوهش دو فرضیه به شکل زیر تدوین می­شود:

فرضیه اول: بین تغییر نزولی حسابرس و مدیریت سود (واقعی و تعهدی) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین مدیریت سود (واقعی و تعهدی) و تغییر نزولی حسابرس رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

**روش پژوهش**

در پژوهش حاضر به بررسی اثر متقابل تغییر نزولی حسابرس و مدیریت سود واقعی و تعهدی می­پردازیم. بنابراین برای آزمون موضوع فوق از رویکرد معادلات همزمان استفاده می­کنیم.

**گردآوری داده ها**

جامعه آماری در این پژوهش، شرکت­های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. دوره زمانی پژوهش بین سال­های 1389 تا 1395 می­باشد. برای انتخاب نمونه در این پژوهش از روش حذف سیستماتیک استفاده شده که معیارهای اعمال شده به شرح زیر است:

1) شرکت­ها جزو بانک­ها و موسسه­های مالی (شرکت­های سرمایه­گذاری، واسطه­گری مالی، هلدینگ و لیزینگ­ها) نباشند.

2) شرکت­ها باید قبل از سال 1389 در بورس پذیرفته شده و تا سال 1395 عضویت آنها تداوم داشته باشد.

3) اطلاعات مالی مورد نیاز برای محاسبه متغیرهای پژوهش در مورد آن شرکت­ها، در طول دوره پژوهش در دسترس باشند.

4) معاملات سهام آنها طی دوره پژوهش بیش از سه ماه در بورس اوراق بهادار تهران متوقف نشده باشد.

با توجه به محدودیت­های یاد شده، تعداد مشاهدات به 165 شرکت رسید.

**تدوین مدل**

به منظور آزمون فرضیه­های پژوهش، مدل­­های رگرسیونی زیر به کار رفته است. رابطه (1) براساس مدل بادیسانتوسو و همکاران ]12[ و رابطه (2) بر اساس مدل ]42[ تبیین شده است.

رابطه (1)

رابطه (2)

**تغییر نزولی حسابرس**

اگر شرکت تغییر حسابرس داشته باشد و این تغییر از حسابرس با رتبه بندی الف و سازمان حسابرسی به رتبه­های پایین­تر باشد عدد1 و در غیر اینصورت عدد0 در نظر گرفته می­شود ]13[.

**مدیریت سود**

**مدیریت سود واقعی**

در این پژوهش، مطابق با پژوهش ]15[ از مدل های (3)، (4) و (5) برای برآورد معیارهای مدیریت سود واقعی استفاده شده است؛ به نحوی که باقیمانده این مدل­ها به عنوان معیارهای مدیریت سود واقعی در نظر گرفته شده است:

**جریان های نقد عملیاتی غیرعادی**

رابطه (3)

جریان های نقد عملیاتی شرکت i در پایان سال t.

جمع کل دارایی های شرکت i در پایان سال t-1.

فروش شرکت i در سال t.

تغییرات فروش شرکت i در پایان سال t.

باقیمانده مدل (جریان های نقد عملیاتی غیرعادی)

**هزینه تولید غیرعادی**

**رابطه (4)**

: *هزینه تولید شرکت i در پایان سال t که برابر است با بهای تمام شده کالای فروش رفته+ تغییرات در موجودی کالا.*

*:* تغییرات فروش شرکت i در پایان سال t-1.

: باقیمانده مدل (هزینه تولید غیرعادی)

**هزینه اختیاری غیرعادی**

رابطه (5)

هزینه اختیاری شرکت که برابر است با هزینه های اداری و فروش.

باقیمانده مدل (هزینه اختیاری غیرعادی).

معیارهای مدیریت سود واقعی که بر اساس باقیمانده های مدل (3)، (4) و (5) محاسبه شده است، در مدل های اصلی پژوهش جایگزین EM می شود؛ به عبارت دیگر مدل های رگرسیونی جهت آزمون فرضیه های پژوهش هرکدام سه مرتبه برازش می شود. به منظور سنجش مدیریت سود واقعی از رابطه (6) استفاده خواهد شد که در آن AbREM معرف مدیریت سود واقعی و نشان دهنده معیار اصلی مدیریت سود واقعی است.

AbREM= (-1)AbCFO+ AbPROD+ (-1)AbDISEXP رابطه (6)

**مدیریت سود تعهدی**

جهت اندازه­گيري مديريت سود مبتنی بر ارقام حسابداری ، از طريق مدل ذيل معروف به مدل تعديل شده جونز ]27[ استفاده مي گردد:

|  |  |
| --- | --- |
| رابطه (7) |  |

كه در آن:

TA: كل اقلام تعهدي، كه از تفاوت سود عملیاتی و جريان­هاي نقدي ناشي از فعاليت­هاي عملياتي به دست مي آيد.

AvAssets: متوسط كل دارايي­ها، كه از تقسيم مجموع دارايي­هاي ابتدا و پايان دوره بر عدد 2 بدست مي­آيد.

∆SALES: تغيير در درآمد حاصل از فروش عمليات طي يكسال مالي، كه از تفاوت فروش پايان دوره با اول دوره به دست مي­آيد.

PPE: ارزش ناخالص دارايي­هاي شركت است.

ROA: معرف بازده دارايي­هاي شركت كه از تقسيم سود عملياتي بر متوسط كل دارايي­ها قابل محاسبه خواهد بود.

سپس اقلام تعهدي غیراختیاری با استفاده از مدل ذيل محاسبه خواهد شد:

|  |  |
| --- | --- |
| رابطه (8) |  |

كه در آن:

ΔREC: بيانگر تغيير در حساب­هاي دريافتني است كه از تفاوت حساب­ها و اسناد دريافتني تجاري پايان دوره با اول دوره به دست مي آيد.

در نهايت اقلام تعهدي اختياري كه به عنوان معياري براي مديريت سود اقلام تعهدي در مدل اصلي تحقيق قرار خواهد گرفت از طريق رابطه ذيل محاسبه خواهد شد:

|  |  |
| --- | --- |
| رابطه (9) |  |

كه در آن:DA: معرف اقلام تعهدي اختياري است كه از تفاوت بين اقلام تعهدي كل با اقلام تعهدي غیراختیاری به دست مي آيد.

**متغیرهای کنترلی:**

: اظهارنظر حسابرس که اگر اظهارنظر حسابرس مشروط باشد عدد 1 و در غیر این صورت 0 در نظر گرفته می­شود.

: اندازه شرکت که برابر است با لگاریتم طبیعی داراییهای شرکت.

: اهرم مالی که برابر است با نسبت بدهی کل به دارایی کل شرکت.

: کیفیت حسابرسی که اگر حسابرس شرکت سازمان حسابرسی باشد عدد1 و در غیر این صورت 0 در نظر گرفته می­شود.

: رشد فروش که برابر است با نسبت فروش امسال منهای فروش سال قبل به فروش سال قبل شرکت.

: فرصت دستکاری سود که برابر است با نسبت بدهی جاری به دارایی کل سال قبل شرکت.

: نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام.

: بازده دارایی که برابر است با نسبت سودخالص به دارایی شرکت.

: نسبت جریان نقد عملیاتی به دارایی سال قبل شرکت.

: میزان وابستگی شرکت به نیروی انسانی که برابر است با یک منهای نسبت دارایی ثابت به کل دارایی شرکت.

: متغیر ساختگی زیان که برابر است با 1 اگر شرکت زیان داشته باشد و در غیر این صورت0.

: سودآوری که برابر است با نسبت سودخالص به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام.

: تامین مالی که در صورت افزایش سرمایه (بیش از 10 درصد) یا رشد بدهی (بیش از 20 درصد) برابر است با 1 و در غیر اینصورت 0.

**یافته های پژوهش**

آماره های توصیفی

جدول 1، آمار توصیفی مربوط به متغیرهای مورد مطالعه طی دوره پژوهش را به نمایش می­گذارد:

**جدول 1. نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **نام متغیر** | **میانگین** | **حداکثر** | **حداقل** | **انحراف معیار** |
| تغییر نزولی حسابرس | 0.104 | 1 | 0 | 0.305 |
| مدیریت سود واقعی | 0.0004 | 0.580 | 0.584- | 0.162 |
| جریان نقد عملیاتی غیرعادی | 0.117 | 0.581 | 0.0006 | 0.105 |
| هزینه تولید غیرعادی | 0.0001 | 0.003 | 07-e4.49 | 0.0003 |
| هزینه اختیاری غیرعادی | 0.029 | 0.249 | 0.00002 | 0.031 |
| مدیریت سود تعهدی | 0.081 | 0.509 | 0.00003 | 0.077 |
| بازده دارایی­ها | 0.109 | 0.631 | 0.278- | 0.134 |
| اظهارنظر حسابرس | 0.547 | 1 | 0 | 0.497 |
| اندازه شرکت | 6.076 | 8.297 | 4.356 | 0.671 |
| اهرم مالی | 0.622 | 1.494 | 0.090 | 0.217 |
| کیفیت حسابرسی | 0.239 | 1 | 0 | 0.426 |
| تامین مالی | 0.329 | 1 | 0 | 0.470 |
| نسبت جریان نقد عملیاتی به دارایی سال قبل | 0.139 | 0.784 | 0.317- | 0.161 |
| نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار ح ص س | 0.482 | 2.657 | 0.757- | 0.425 |
| وابستگی شرکت به نیروی انسانی | 0.747 | 0.996 | 0.142 | 0.180 |
| زیان شرکت | 0.111 | 1 | 0 | 0.314 |
| سودآوری | 0.090 | 0.672 | 0.878- | 0.164 |
| رشد شرکت | 0.196 | 2.742 | 0.629- | 0.402 |
| فرصت دستکاری سود | 0.636 | 1.693 | 0.057 | 0.268 |

اولین گام در تحلیل آماری، تعیین مشخصات خلاصه شده داده­ها و محاسبه شاخص­های توصیفی می­باشد. هدف از این تحلیل، شناخت روابط درونی متغیرها و نشان دادن رفتار آزمودنی­هاست تا مقدمات تحلیل آماری فراهم شده و خصوصیات توصیفی برای تحلیل بیشتر آشکار شود. جدول 1 نشان دهنده اندازه شاخص­ های آمار توصیفی داده­های مورد استفاده در پژوهش برای شرکتهای مورد مطالعه می­باشد. میانگین تغییر نزولی حسابرس که 0.104 می­باشد نشان دهنده این است که حدود 10 درصد از شرکتها اقدام به تغییر نزولی حسابرس کرده­اند. در ارتباط با متغیرهای مستقل پژوهش (مدیریت سود واقعی و تعهدی) ، مشاهده می­شود که میانگین مدیریت سود تعهدی که برابر با 0.081 می­باشد بیشتر از میانگین مدیرت سود واقعی شرکتها که برابر 0.0004 می­باشد، است؛ که نشان­دهنده این است که مدیران بیشتر به اقدام به دستکاری در اقلام تعهدی شرکت می­کنند. اهرم مالی بیانگر این است که به طور متوسط 62% دارایی­های شرکتهای مورد بررسی از محل بدهی­ها تامین مالی شده­اند. بررسی کیفیت حسابرسی نیز نشان می­دهد که حسابرس 23% از شرکتها سازمان حسابرسی می­باشد. همچنین نتایج نشان دهنده آن است که حدود 11% از شرکتهای نمونه زیان خالص داشته­اند؛ همچنین با توجه به نتایج 19% از شرکتها در دوره مورد بررسی رشد فروش داشته­اند.

**آزمون مدل اول پژوهش**

جدول 2 نتایج برآورد رگرسیون در خصوص رابطه مدیریت سود (واقعی و تعهدی) و تغییر نزولی حسابرس را نشان می­دهد. ضریب و احتمال مدیریت سود واقعی که به ترتیب برابر 0.097 و 0.122 می­باشد، نشان دهنده عدم وجود رابطه معنادار بین مدیریت سود واقعی و تغییر نزولی حسابرس می­باشد. همچنین ضریب و احتمال مدیریت سود تعهدی که برابر با 0.216- و 0.078 می­باشد، نشان دهنده وجود رابطه منفی و معنادار بین مدیریت سود تعهدی و تغییر نزولی حسابرس می­باشد؛ که این نتایج با فرضیات مطرح شده مطابقت نداشته ودر نتیجه فرضیه اول پژوهش رد می­شود. همچنین از بین متغیرهای کنترلی اندازه شرکت و کیفیت حسابرسی نیز رابطه منفی و معنادار و اهرم مالی رابطه مثبت و معنادار با تغییر نزولی حسابرس در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارند؛ که این نتایج به این معناست که با بزرگ شدن اندازه شرکت و بهبود کیفیت حسابرسی، تغییر نزولی حسابرس کاهش پیدا کرده و همچنین بیشتر شدن اهرم مالی و درنتیجه افزایش بدهی شرکت، یکی از عوامل تاثیرگذار بر تغییر نزولی حسابرس می­باشد.

**جدول 2. آزمون مدل اول- رابطه مدیریت سود (واقعی و تعهدی) و تغییر نزولی حسابرس**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
|  | | | | |
| **متغیر توضیحی** | **مدیریت سود واقعی** | | **مدیریت سود تعهدی** | |
|  | **ضریب** | **احتمال** | **ضریب** | **احتمال** |
| عرض از مبدا | 0.424 | 0.003 | 0.424 | 0.003 |
| مدیریت سود | 0.097 | 0.122 | 0.216- | 0.078 |
| اظهارنظر حسابرس | 0.015 | 0.435 | 0.019 | 0.326 |
| اندازه شرکت | 0.029- | 0.075 | 0.032- | 0.048 |
| اهرم مالی | 0.114 | 0.077 | 0.121 | 0.060 |
| کیفیت حسابرسی | 0.095- | 0.000 | 0.095- | 0.000 |
| رشد شرکت | 0.021 | 0.380 | 0.019 | 0.437 |
| فرصت دستکاری سود | 0.053- | 0.310 | 0.043- | 0.417 |
| سال-صنعت | کنترل شد. | | کنترل شد. | |
|  | R-Sq: 0.1205؛ chi2: 136.25؛ p: 0.000 | | R-Sq: 0.1190؛ chi2: 136.75؛ p: 0.000 | |

**آزمون مدل دوم پژوهش**

جدول 3 نتایج برآورد رگرسیون در خصوص رابطه تغییر نزولی حسابرس و مدیریت سود (واقعی و تعهدی) را نشان می­دهد. ضریب و احتمال تغییر نزولی حسابرس در رابطه با مدیریت سود واقعی که به ترتیب برابر 0.006 و 0.209 می­باشد، نشان دهنده عدم وجود رابطه معنادار بین تغییر نزولی حسابرس و مدیریت سود واقعی می­باشد. همچنین ضریب و احتمال تغییر نزولی حسابرس در رابطه با مدیریت سود تعهدی که برابر با 0.014- و 0.079 می­باشد، نشان دهنده وجود رابطه منفی و معنادار بین تغییر نزولی حسابرس و مدیریت سود تعهدی می­باشد؛ که این نتایج با فرضیات مطرح شده مطابقت نداشته ودر نتیجه فرضیه دوم پژوهش نیز رد می­شود. همچنین از بین متغیرهای کنترلی نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام و بازده دارایی­ها رابطه مثبت و معنادار و نسبت جریان نقد عملیاتی به دارایی سال قبل و وابستگی شرکت به نیروی انسانی رابطه منفی و معنادار با مدیریت سود واقعی دارند. به این معنی که هرچه نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام و بازده دارایی­ها افزایش پیدا کند مدیران بیشتر اقدام به مدیریت سود می­کنند. همچنین نسبت جریان نقدعملیاتی به دارایی سال قبل و وابستگی به نیروی انسانی رابطه منفی و معنادار و زیان شرکت رابطه مثبت و معنادار با مدیریت سود تعهدی نشان داده­اند.

**جدول 3. آزمون مدل دوم- رابطه تغییر نزولی حسابرس و مدیریت سود (واقعی و تعهدی)**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
|  | | | | |
| **متغیر توضیحی** | **مدیریت سود واقعی** | | **مدیریت سود تعهدی** | |
|  | **ضریب** | **احتمال** | **ضریب** | **احتمال** |
| عرض از مبدا | 0.089 | 0.000 | 0.003- | 0.920 |
| تغییر نزولی حسابرس | 0.006 | 0.209 | 0.014- | 0.079 |
| نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار ح ص س | 0.011 | 0.010 | 0.001 | 0.855 |
| بازده دارایی­ها | 0.053 | 0.004 | 0.036 | 0.217 |
| نسبت جریان نقد عملیاتی به دارایی سال قبل | 0.990- | 0.000 | 0.063 | 0.001 |
| وابستگی شرکت به نیروی انسانی | 0.029- | 0.005 | 0.043 | 0.007 |
| زیان شرکت | 0.004 | 0.530 | 0.030 | 0.005 |
| سودآوری | 0.0002- | 0.987 | 0.034- | 0.170 |
| تامین مالی | 0.002- | 0.448 | 0.003 | 0.449 |
| سال -صنعت | کنترل شد. | | کنترل شد. | |
|  | R-Sq: 0.9181؛ chi2: 11105.98؛ p: 0.000 | | R-Sq: 0.1106؛ chi2: 126.13؛ p: 0.000 | |

آزمون­های اضافی

جدول 4 نتایج برآورد رگرسیون در خصوص رابطه معیارهای مدیریت سود واقعی و تغییر نزولی حسابرس را نشان می­دهد. نتایج نشان دهنده این است که از بین معیارهای مدیریت سود واقعی تنها جریان نقد عملیاتی غیرعادی رابطه منفی و معناداری با تغییر نزولی حسابرس دارد و دیگر معیارها رابطه معناداری را نشان نداده­اند.

**جدول 4. آزمون تکمیلی اول- رابطه معیارهای مدیریت سود واقعی و تغییر نزولی حسابرس**

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
|  | | | | | | |
| **متغیر توضیحی** | **جریان نقدعملیاتی غیرعادی** | | **هزینه تولید غیرعادی** | | **هزینه اختیاری غیرعادی** | |
|  | **ضریب** | **احتمال** | **ضریب** | **احتمال** | **ضریب** | **احتمال** |
| عرض از مبدا | 0.437 | 0.003 | 0.426 | 0.004 | 0.407 | 0.005 |
| مدیریت سود | 0.245- | 0.009 | 8.641- | 0.777 | 0.180 | 0.586 |
| اظهارنظر حسابرس | 0.015 | 0.435 | 0.018 | 0.344 | 0.018 | 0.356 |
| اندازه شرکت | 0.029- | 0.073 | 0.033- | 0.049 | 0.030- | 0.060 |
| اهرم مالی | 0.089 | 0.175 | 0.124 | 0.054 | 0.125 | 0.054 |
| کیفیت حسابرسی | 0.095- | 0.000 | 0.097- | 0.000 | 0.097- | 0.000 |
| رشد شرکت | 0.025 | 0.314 | 0.020 | 0.410 | 0.018 | 0.451 |
| فرصت دستکاری سود | 0.035- | 0.508 | 0.047- | 0.368 | 0.049- | 0.359 |
| سال-صنعت | کنترل شد. | | کنترل شد. | | کنترل شد. | |
|  | R-Sq: 0.1194؛ chi2: 140.64؛ p: 0.000 | | R-Sq: 0.1190؛ chi2: 133.98؛ p: 0.000 | | R-Sq: 0.1187؛ chi2: 134.07؛ p: 0.000 | |

جدول 5 نیز نتایج برآورد رگرسیون در خصوص رابطه تغییر نزولی حسابرس و معیارهای مدیریت سود واقعی را نشان می­دهد. نتایج نشان دهنده این است که تغییر نزولی حسابرس تنها با معیار جریان نقد عملیاتی غیرعادی رابطه منفی و معناداری دارد و با دیگر معیارها رابطه معناداری را نشان نداده است.

**جدول 5. آزمون تکمیلی دوم- رابطه تغییر نزولی حسابرس و معیارهای مدیریت سود واقعی**

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
|  | | | | | | |
| **متغیر توضیحی** | **جریان نقدعملیاتی غیرعادی** | | **هزینه تولید غیرعادی** | | **هزینه اختیاری غیرعادی** | |
|  | **ضریب** | **احتمال** | **ضریب** | **احتمال** | **ضریب** | **احتمال** |
| عرض از مبدا | 0.038 | 0.342 | 0.0004 | 0.001 | 0.016 | 0.189 |
| تغییر نزولی حسابرس | 0.027- | 0.006 | 0.0001 | 0.734 | 0.002 | 0.330 |
| ارزش دفتری به بازار ح ص س | 0.001 | 0.824 | 0.00008- | 0.006 | 0.009- | 0.001 |
| بازده دارایی­ها | 0.427 | 0.000 | 0.00003- | 0.808 | 0.016- | 0.152 |
| جریان نقد عملیاتی به دارایی قبل | 0.001- | 0.941 | 0.00007- | 0.349 | 0.0008- | 0.902 |
| وابستگی به نیروی انسانی | 0.015 | 0.455 | 06-e6.91 | 0.919 | 0.020 | 0.001 |
| زیان شرکت | 0.052 | 0.000 | 0.00009 | 0.026 | 0.001- | 0.767 |
| سودآوری | 0.079- | 0.141- | 0.00002 | 0.848 | 0.021 | 0.026 |
| تامین مالی | 0.019 | 0.003 | 0.00001- | 0.438 | 0.002 | 0.193 |
| سال-صنعت | کنترل شد. | | کنترل شد. | | کنترل شد. | |
|  | R-Sq: 0.2421؛ chi2: 323.08؛  p: 0.000 | | R-Sq: 0.1117؛ chi2: 124.67؛ p: 0.000 | | R-Sq: 0.2184؛ chi2: 277.26؛  p: 0.000 | |

**بحث و نتیجه­گیری**

تغییر حسابرسان موجب کاهش اعتماد سرمایه­گذاران و سهامداران به صورت­های مالی می­شود. زیرا سرمایه­گذاران و سهامداران، این پدیده را به نوعی عاملی برای تضعیف استقلال حسابرسان به عنوان سنگ زیربنای حرفه حسابرسی می­دانند. از طرفی مدیران شرکت­ها با توجه به تاثیر قابل ملاحظه­ای که در استخدام، ابقا و تغییر حسابرسان دارند ممکن است با بهره­گیری از این تاثیر، حسابرسانی را که اظهارنظر مطلوب و دلخواه مدیریت را صادر می­کنند، جایگزین حسابرس قبلی کنند تا بدین وسیله منافع خود را به حداکثر برسانند. همانطور که مشاهده شد، با توجه به نتایج آزمون فرضیه اول که بررسی رابطه بین مدیریت سود واقعی و تعهدی و تغییر نزولی حسابرس می­باشد؛ فرضیه اول پژوهش رد شده است. این نتایج نشان می­دهد که مدیریت سود شرکتها تاثیری بر تغییر نزولی حسابرس نداشته و دلیل آن می­تواند این باشد که چون تغییر حسابرس بر جنبه­های مختلف شرکت تاثیر می­گذارد، مدیران شرکت­ها کمتر اقدام به تغییر حسابرس می­کنند. همچنین تاثیرات منفی تغییر حسابرس به حدی زیاد است که شرکت­ها ترجیح می­دهند حتی در صورت دریافت گزارش غیرمقبول از حسابرس در خصوص دستکاری فعالیت­های واقعی و اقلام تعهدی همچنان با همان حسابرس قبلی به کار خود ادامه دهند. همچنین هزینه تغییر حسابرس برای شرکت بسیار زیاد می­باشد و به همین دلیل صاحبکاران کمتر اقدام به تغییر حسابرس می­کنند. نتایج آزمون مدل دوم نیز نشان می­دهد که فرضیه دوم پژوهش که بررسی رابطه بین تغییر نزولی حسابرس و مدیریت سود واقعی و تعهدی می­باشد، نیز پذیرفته نشده است. نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش های کیم و پارک (2014) و لاسگارتن و شوون (2012) مطابقت ندارد. نتیجه پژوهش کیم و پارک (2014) نشان دهنده رابطه مثبت و معنادار بین دستکاری فعالیت­های واقعی و تغییر حسابرس می­باشد. لاسگارتن و شوون (2012) نیز به این نتیجه رسیدند که اقلام تعهدی اختیاری افزایش دهنده و کاهش دهنده سود باعث تغییر حسابرس می­شود.

پیشنهادات کاربردی

1. سازمان بورس اوراق بهادار نسبت به تغییرات اختیاری حسابرس مستقل در شرکت­های بورسی حساسیت لازم را داشته باشند و علل این تغییر در صورت امکان به اطلاع سهامداران شرکت­ مربوطه برسد تا منافع سهامداران در شرکت­ها به عنوان تامین­کنندگان سرمایه شرکت به خطر نیافتد.
2. سیاست­های تغییر حسابرس باید به گونه­ای باشد که از تضعیف استقلال حسابرسان جلوگیری نماید. بر این اساس نهادهای مسئول باید نسبت به سیاست­های تغییر حسابرس توجه بیشتری داشته باشند.

**منابع**

1. اسدی، غلامحسین و اشکانی، بهروز. (1396). بررسی تاثیر تغییر حسابرس بر قیمت سهام. *دانش حسابرسی*. سال هفدهم. شماره 66.
2. رحمانی، علی و قشقایی، فاطمه. (1396). رابطه قابلیت مقایسه حسابداری با مدیریت سود واقعی و تعهدی. *بررسی­های حسابداری و حسابرسی*. دوره 24. شماره 4. صص 527-550.
3. شعری آناقیز، صابر، احمدوند، میثم و لاریجانی، ریحانه. (1396). آزمون رابطه مدیریت سود واقعی و رتبه اعتباری شرکت­های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش­های تجربی حسابداری*. سال هفتم. شماره 26. صص 117-146.
4. مشایخی، بیتا و حسین­پور، امیرحسین. (1395). بررسی رابطه بین مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی در شرکتهای مشکوک به تقلب بورس اوراق بهادار تهران. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، صص 29-52.
5. مهدوی، غلامحسین و ابراهیمی، شهلا. (1389). تغییر حسابرس چراغ قرمز یا سبز. *حسابرس*. سال دوازدهم. شماره 49. صص 113-121.
6. نصیرزاده، فرزانه، اورادی، جواد و رجبعلی­زاده، جواد. (1396). بررسی تاثیر ویژگی­های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی. *مطالعات حسابداری و حسابرسی*. شماره 24. صص 39-52.
7. American Institute of Certified Public Accountants (AICPA), (2002), Consideration of Fraud in a Financial Statement Audit. *SAS* No.99. New York, NY: AICPA.
8. American Institute of Certified Public Accountants (AICPA). (2002). Consideration of Fraud in a Financial Statement Audit. *Statement on Auditing Standards* No. 99. New York, NY: AICPA.
9. American Institute of Certified Public Accountants (AICPA). (2007). A Firm’s System of Quality Control. Statement on Quality Control Standards No. 7 (QC sec. 10). *New York*, NY: AICPA.
10. Arthur Andersen and Co., Coopers and Lybrand, Deloitte and Touche, Ernst and Young, KPMG Peat Marwick, and Price Waterhouse. (1992). The Liability Crises in the United States: *Impact on the Accounting Profession.*
11. Baber, W., Kumar, K.and Vergheses, T. (1995). Client security price reactions to the Laventhol and Horwath bankruptcy. *Journal of Accounting Research*, Vol. 33 (Autumn), pp. 385-395.
12. Budisantoso, T., Rahmawati, R., Bandi, B., & Probohudono, A. N. (2017). Determinant of downward auditor switching. *Jurnal Akuntansi Multiparadigma*, *8*(3), 444-457.‏
13. Chow C., and S. J. Rice. 1982. Qualified Audit Opinion and Auditor Switching. *Accounting Review*, 57(April):326-335.
14. Cohen D., Dey, A. and Lys, T. (2008). Real and accrual-based earnings management in the pre and post Sarbanes-Oxley periods. *The Accounting Review*, Vol. 83, pp. 757-787.
15. Cohen, D. and Zarowin, P. (2010). Accrual-based and real earnings management activities around seasoned equity offering. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 50, pp. 2-19.
16. Cohen, D., Zarowin, P. (2010). Accrual-based and real earnings management activities around seasoned equity offerings. *Journal of Accounting and Economics*, 50(3): 2–19.
17. DeFond, M. L. (1992). The Association Between Changes in Client Firm Agency Cost and Auditor Switching, Auditing: A Journal of Practice & Theory, Vol.11, No.1, pp16-31.
18. Enomotoa, M., Kimurab, F., Yamaguchic, T. (2015). Accrual-based and real earnings management\_ An international comparison for investor protection, *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 11(3): 183–198.
19. Ewert, R. and Wagenhofer, A. (2005). Economic effect of tightening accounting standards to restrict earnings management. *The Accounting Review*, Vol. 80, pp. 1101-1124.
20. Francis, J., Olsson, P. & Schipper, K. (2004). Costs of equity and earnings attributes. The Accounting Review, 79(13)\_ 967-1010.
21. Graham, J., Harvey, C. and Rajgopal, S. (2005). The economics implications of corporate financial reporting. *Journal of Accoutning and Economics*, Vol. 40, pp. 3-73.
22. Gunny, Katherine (2010), The relation between earnings management using real activities manipulation and future performance: Evidence from meeting earnings benchmarks,Articles for Future Publication, *The Canadian Academic Accounting Association (CAAA)*, Vol 27 No 3.
23. Healy ,P.; J.Wahlen ; )1999(; A Review of the Earnings Management Literature and its lmplications for Standard Setting, *Accounting Horizons* , Vol.13,Issue 4.
24. Healy P., (1985). The impact of bonus schemes on the selection of accounting principles. Journal of accounting and economics 7: 85-107.
25. Hudaib, M., & Cooke, T. E. (2005). The Impact of Managing Director Changes and Financial Distress on Audit Qualification and Auditor Switching. *Journal of Business Finance & Accounting,* *32*(9), 1703–1739.
26. Hwang, J., & Lee, J. H. (2013). Financial deepening and business cycle volatility in Korea. *Applied Financial* *Economics, 23*(21), 1693–1700.
27. Jones, J. (1991). Earnings Management during Import Relief Investigations, *Journal of Accounting Research*
28. Junaidi, Hartono, J., Suwardi, E., Miharjo, S., & Hartadi, B. (2016). Does Auditor Rotation Increase Auditor Independence? *Gadjah Mada International Journal of* *Business, 18,* 315–336.
29. Junaidi, Miharjo, S., & Hartadi, B. (2012). Does Auditor Tenure Reduce Audit Quality? *Gadjah Mada International* *Journal of Business, 14,* 303–315.
30. Kim, Y. and Park, M. S. (2014). Real activities manipulation and auditors’ client retention decisions. *The Accounting Review*, 89 (1), 367-401
31. Li, D. 2007. Auditor tenure and accounting conservatism. PHD Dissertation, *Georgia institute of Technology.*
32. Lustgarten, S. and Shon, J., (2012). Do abnormal accruals affect the life expectancy of audit engagements?, *www.springer.com*
33. Mansi, S., Maxwell, W. and Miller, D. (2004). Does auditor quality and tenure matter to investors? Evidence from the bond market*. Journal of Accounting Research*, Vol. 42, No. 4, pp. 755-793.
34. Menon, K. and Willaims, D. (1994). The institute hypothesis and market prices. *The Accounting Review*, (April), pp. 327-342.
35. Mitra, S., Jaggi, B., & Al-Hayale, T. (2016). Auditor’s Downward Switch, Governance, Accounting Conservatism. *Journal* *of Accounting, Auditing & Finance,* *31*(4), 551–581.
36. Mizik, N. and Jacobson, R. (2008). Earnings inflation through accruals and real activity manipulation: Its prevalence at the time of an SEO and the financial market consequences. Working Paper. *Columbia Universtiy and Universtity of Washington*.
37. Nikomborirak, D. (2015). The ASEAN Economic Community (AEC): Myths and Realities. *Asian Economic Papers,* *14*(2), 71–90.
38. O’Malley, S. F. (1993). Legal liability is having a chilling effect on the auditor’s role. *Accounting Horizons*, Vol. 7, pp. 82-87.
39. Roychowdhury, S. (2006). Earnings management through real activities manipulation*. Journal of Accounting and Economics*, Vol. 42, pp. 335-370.
40. Roychowdhury, S., (2006). Earnings management through real activities manipulation*. Journal of Accounting and Economics.* 42(3): 335–370.
41. Simunic, D. (1980). The pricing of audit services: Theory and evidence. *Journal of Accounting Research*, Vol. 18, pp. 161-190.
42. Sohn, B. C. (2016). The effect of accounting comparability on the accrualbased and real earnings management, *Journal of Accounting and Public Policy*, 35(5): 513-539.
43. Stice, L. (1991). Using financial and market information to identify pre-engagement factors associated with lawsuits against auditors. *The Accounting Review*, Vol. 66, pp. 516-553.
44. Tanyi, P., Raghunandan, K., & Barua, A. (2010). Audit Report Lags After Voluntary and Involuntary Auditor Changes. *Accounting Horizons, 24*(4), 671–688.
45. Walker P.L.2001.Lewis B.L.and Casterella J.R., Mandatory auditor rotation :Arguments and current evidence. *Accounting Enquiries* , Vol.10,Issue 2 .
46. Wongsunwai, W. (2012). The effect of external monitoring on accrual-based and real earnings management\_ Evidence from venture-backed initial public offerings. *Contemporary Accounting Research*, 30(1): 296-324.
47. Yean, T. S., & Das, S. B. (2015). The ASEAN Economic Community and Conflicting Domestic Interests: An Overview. *Journal of Southeast Asian Economies,* *32*(2), 189–201.
48. Zang, A. (2012). Evidence on the trade-off between real activities manipulation and accrual-based earnings management. *The Accounting Review*, Vol. 87, No. 2, pp. 675-705.

Downward Auditor Switching and Earnings management (real and accrued): With the simultaneous trading approach

**Abstract**

**Purpose:** The purpose of this study is to investigate the relationship between the auditor's downward Switching and earnings management (actual and accrued) and the answer to the question of how much Earnings management can motivate the auditor to change the management of the company.

**Methodology:** For the purpose of this research 165 sample companies have been used during the years 2010-2015. To test the hypotheses was used the simultaneous equation approach.

**Findings:** The results of the first hypothesis test which shows that there is a positive and significant relationship between Downward Auditor Switching and earnings management (actual and accrual), indicates a lack of a positive and significant relationship and therefore a rejection of the first hypothesis of the research. The second hypothesis of the research also explores the positive and significant relation between earnings management (real and accrual) and Downward Auditor Switching.  The result of the second hypothesis test is the absence of a positive and significant relationship between the variables and thus the rejection of the second hypothesis of the research.

**Originality/ Innovation:** The auditor's shift may have different motivations and so that there has not been a change in the audit auditor in Iran so it can be argued that this research can help to examine some aspects of the issue.

**Keywords:** downward auditor,  Real Earnings Management, Accrued Earnings Management